



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (ملازمات عقليه)

ادله عدليه و اشاعره ۲

جلسه ۱۷۶

استاد رفعتی

تفاوت مشهورات و اولیات:

اول:

در قضایای تأدیبات (قضایای مشهوره) حاکم عقل عملی است؛ ولی حاکم در قضایای اولیّه عقل نظری می‌باشد.

دوم:

قضایای تأدیبیّه (قضایای مشهوره)، غیر از تطابق آراء عقلاء واقعیت و حقیقتی ندارند؛ بخلاف قضایای اولیّه که واقع خارجی دارند.

سوم:

در قضایای تأدیبیّه (قضایای مشهوره)، واجب نیست که هرعقلی بر طبقش حکم کند و هیچ الزامی نیست که وقتی آنها را لو خلّی و نفسه ملاحظه می‌کنیم هرعقلی به قبول آن متأدّب و به صحتش معترف باشد.

دلیل دوم اشاعره:

اگر حسن و قبح عقلی باشد، نباید به اختلاف وجوه و اعتبارات حسن و قبح اشیاء مختلف گردد؛ نظیر «صدق» در حالی که چنین نیست؛ زیرا زمانی ممدوح بوده و گاهی مذموم می‌باشد و آن در وقتی است که در آن ضرر مورد اعتناء باشد و همچنین «کذب» زمانی مذموم بوده و گاهی ممدوح است و آن در وقتی است که مشتمل بر نفع بسیار باشد و نیز مانند: ضرب و قیام و قعود و امثال اینها که به ملاحظات و اعتبارات حسن و قبحشان مختلف می‌شود.



مرکز مجازات امام صادق (علیه السلام)

جواب:

حسن و قبح اشیاء بر سه نحوه است:

۱. ذاتی

۲. عرضی

۳. نه ذاتی و نه عرضی

اشیائی که حسن و قبح آنها ذاتی است؛ ابدًا اختلافی در آنها حاصل نمی‌شود؛ یعنی حسن همیشه حسن بوده و قبیح نیز همیشه قبیح است؛ زیرا ذاتی قابل تخلّف از شیئی نبوده و جدائی بین آنها مستحیل است؛ همچون عدل؛ چه آنکه عدل بما هو عدل، ابدًا قبیح نخواهد بود؛ چنانچه ظلم بما هو ظلم، هرگز حسن نمی‌باشد.

و اما اشیائی که حسن و قبح در آنها عرضی است، البتّه بالوجوه و الاعتبار حسن و قبحشان مختلف می‌باشد؛ مثلاً صدق اگر در تحت عنوان عدل داخل بود ممدوح است و اگر عنوان ظلم بر آن صدق کرد قبیح محسوب می‌شود؛ چنانچه کذب یا امثله دیگری که ذکر نمودیم نیز همینطور می‌باشند؛ یعنی کذب تا وقتی که عنوان ظلم بر آن صادق است قبیح بوده و اگر در تحت عدل داخل گردید و بواسطه جهتی از جهات از مصادیق عدالت شمرده شد حسن می‌گردد.

دلیل عدلیه:

بدیهی است که عدل حسن و ظلم قبیح است و این معنا از نظر هر عاقلی حتمی است و لو شرع بر آن

دلالت نکند؛ زیرا حتّی منکر شرایع نیز حسن احسان و قبح ظلم را درک می‌نمایند.



مرکز مجازات امام صادق (علیه السلام)

اشکال بر استدلال:

حسن و قبح در دو مثال مذکور (حسن احسان و قبح ظلم)، معنایش ملائمت و منافرت با نفس بوده و یا احیاناً به معنای صفت کمال و نقص می‌باشد و این معنی مسلم بوده و در آن نزاعی نیست و اما حسن و قبح به معنای مورد نزاع را قبول نداریم که عقلاء جملگی به آن جازم و قاطع باشند.

رفع اشکال:

کسی که مدعی است عقلاء به حسن احسان و قبح ظلم حکم می‌کنند؛ ادعاء دارد عقلاء فاعل احسان را مدح و انجام‌دهنده ظلم را مذمت و تقبیح می‌نمایند و شکی نیست در اینکه مدح و ذمّ مزبور از سوی عقلاء ضروری می‌باشد؛ زیرا از جمیع مردم متواتر بوده و منکرش مکابری بیش نیست.

باید توجه داشت تنها چیزی که عقلاء را بر این مدح و ذمّ وادار می‌کند؛ درکشان است که عدل برای عادل کمال و با مصلحت نوع انسانی و بقاء آن ملائمت دارد؛ چنانچه درکشان نسبت به نقص بودن ظلم و

منافرتش با مصلحت نوع انسانی و بقاء آن سبب شده است که حکم بقبح آن نماید. ImamSadiq.tv